



ماهانامه

۲۲

برای ایران

ارگان سیاسی

انجمن پادشاهی خواهان
پیشرو

پهلوی!

یک صدا

یک نام

موج سرکوب در ایران چرا تک برگی "فراخوان"؟

با برقراری آتش بس، اگرچه ماهیت بحران تغییر شکل می دهد، ولی تا زمانی که جمهوری اسلامی هست، بحران از میان نمی رود، زین روی نیاز به ارتباط و آگاهی رسانی نیز هرگز از میان نمی رود. "فراخوان" می کوشد به منظور حفظ ارتباطی منظم و سریع با هواداران و دیگر توده های مبارز به راه خود ادامه دهد. در شرایط کنونی، نشریه با توضیح رهنمودهای مبارزات انقلابی و موضعگیری های انجمن در رابطه با مسائل مبارزاتی و اجتماعی تلاش خواهد کرد تا به انسجام فکری و عملی هواداران در اقصی نقاط جهان یاری رساند. **ادامه در برگ ۷**

پس از بروز درگیری های اخیر در منطقه و به ویژه پس از حملات متقابل جمهوری اسلامی و اسرائیل، شدت دستگیریها و اتهامات مرتبط با "جاسوسی" یا "همکاری با سرویس های اطلاعاتی بیگانه" به شکل چشمگیری افزایش یافته است. سازمانهای حقوق بشری بین المللی، مانند عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر، بارها نسبت به سوءاستفاده از این اتهامات برای سرکوب مخالفان، فعالان مدنی، روزنامه نگاران، هنرمندان و حتی شهروندان عادی هشدار داده اند.

ادامه در برگ ۳

همکاری ملی:

اتحاد برای آزادی ایران

نیروهای ملی گرا، با هر دیدگاه و گرایش، باید در خط مقدم این اتحاد قرار گیرند، زیرا این همکاری بهترین راه برای حفظ تمامیت ارضی و منافع ملی ایران، بازگرداندن هویت واقعی ایرانی، و ایجاد بستر یک دموکراسی پایدار است. اتحاد ملی گراها، مانعی بر سر راه تجزیه و تفرقه در کشور خواهد بود و فرصتی بی بدیل برای نجات ایران از بحران های کنونی و ساختن آینده ای آزاد، آباد و مترقی فراهم می آورد. **ادامه در برگ ۲**

جنگ، ضربه پذیری رژیم و سکوت مردم

پس از حمله های سهمگین نیروی هوایی اسرائیل به میهنمان، چرا مردم برای سرنگونی رژیم به خیابانها نیامدند؟ پس از یورشهای برق آسای نیروی هوایی اسرائیل به سرزمین ما، چگونه که بسیاری می پنداشتند مردم به خیابانها نیامده و یا دست کم مبارزات روزانه خود در چارچوب مبارزات صنفی، اجتماعی و سیاسی را نه تنها شدت نبخشید، بلکه اساسا به نظاره گر اوضاع تبدیل شدند! چرا؟ در شرایط کنونی ایران، با وجود نارضایتی گسترده مردم از رژیم حاکم، تمایل قابل توجهی برای شرکت در مبارزه جهت سرنگونی مشاهده نشد. می کوشیم تا این وضعیت پیچیده را از زوایای مختلفی باز کنیم، **ادامه در برگ ۵**

جنگ و تهدیدهای فزاینده علیه مردم

ایران: با توجه به وضعیت بحرانی و پیچیده ای که تا به اینجا به آنها اشاره شد، نیروهای مبارز و سرنگونی خواه ما باید توجه داشته باشند؛ در شرایط کنونی که مردم میهن ما با خطر قحطی و بحرانهای انسانی مواجه هستند، وحدت و همبستگی میان تمامی گروههای اپوزیسیون ملی گرا و مردم بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. هدف مشترک باید نجات ایران از بحرانهای فعلی و تضمین آینده ای با ثبات و رفاه برای همه ایرانیان باشد. از هرگونه تفرقه و درگیری داخلی که می تواند توان نیروهای مبارز را تحلیل ببرد، باید جدا پرهیز شود. **ادامه در برگ ۴**

رفتارهای آسیب زا در جنبش ملی ایرانیان: نقدی بر هیجان زدگی و بی نظمی

بارها در میان ایرانیان مشاهده شده است که در مواجهه با شخصیت های سیاسی برجسته، بویژه در رابطه با شاهزاده رضا پهلوی، برخی از هواداران به راحتی اجازه می دهند تا احساسات بر عقلشان غلبه کند و اختیار از دست بدهند، و این خود یک ایراد بزرگ و اساسی است. هواداری از یک شخصیت سیاسی که قرار است مسئولیت رهبری یک کشور را بر عهده بگیرد، بسیار متفاوت از هواداری از یک هنرمند یا تیم فوتبال است.

ادامه در برگ ۴

گذار دموکراتیک:

راه برون رفت از بحران
کنونی ایران

گذار دموکراتیک، فرایندی حیاتی برای هر جامعه ای است که در پی رهایی از چنگال حکومت های غیردموکراتیک و استبدادی است. این مفهوم در بستر ایران امروز، به معنای حرکت از جمهوری اسلامی، نظامی مبتنی بر ولایت فقیه و سرکوب، به سوی یک دموکراسی پایدار، سکولار و مبتنی بر حقوق بشر است. **ادامه در برگ ۲**

جنگ، موضع و وظایف ما

انجمن ما بارها در گذشته و در مناسبت های گوناگون اعلام کرده و بار دیگر با بانگی رسا اعلام میدارد که جنگ را راه چاره دردهای بیشمار ملت ایران از دست این رژیم پلید نمی داند و آنچه را که امروز میهن ما با آن درگیر است، پیامد مستقیم و اجتناب ناپذیر سیاست های جنگ طلبانه و غلط رژیم حاکم بر ایران است.

ادامه در برگ ۷

آتش بس و تحقیر همه
جانبه "نظام"

با برقراری آتش بس میان ارتشهای اسرائیل و جمهوری اسلامی، وضعیت برای سپاه پاسداران به شکلی بی سابقه دگرگون شده است. خسارتهای وارده بر این نیروی نظامی فراتر از حد تصور بوده و ابعاد گسترده ای از توانمندیها و جایگاه آن را تحت الشعاع قرار داده است.

ادامه در برگ ۶

هر آنچه که در این ماهنامه چاپ می شود، دیدگاه های شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شهریار میهن، شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریانهای سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!

همکاری ملی: اتحاد برای آزادی ایران

درخواست شاهزاده رضا پهلوی برای همکاری ملی تمامی نیروهای مبارز، فراخوانی استراتژیک برای عبور از جمهوری اسلامی و ساختن آینده‌ای دموکراتیک برای ایران است. این درخواست بر این درک بنیادین استوار است که جریانهای سیاسی، طبقات و گروههای اجتماعی در اتحاد با یکدیگر، با همبستگی حداکثری و کنار گذاشتن اختلافات جزئی، می‌توانند بر ابزارهای سرکوب حکومت چیره گشته و نهایتاً سرنگونی رژیم را رقم بزنند. مفهوم این همکاری، پذیرش تنوع ایدئولوژیک و طبقاتی در میان مبارزان است؛ به این معنا که تمامی صداها و گروهها، از ملی‌گرا و چپ‌گرا گرفته تا اقشار مختلف اجتماعی، با حفظ دیدگاه‌های خود، پیرامون آماژ مشترک گذار از جمهوری ننگین اسلامی متحد شوند.

ضرورت این همکاری ملی در چند بُعد حیاتی است: نخست، برای تضعیف بنیان‌های رژیم که بر تفرقه بنا شده است. اتحاد ملی، بزرگترین تهدید برای حکومتی است که بقای خود را در جدایی و عدم انسجام مردم می‌بیند. دوم، برای افزایش مشروعیت و حمایت مردمی، چرا که هر چه دایره این همکاری وسیع‌تر باشد، از پشتیبانی داخلی و بین‌المللی بیشتری برخوردار خواهد بود و اراده عمومی برای تغییر را به نمایش می‌گذارد. سوم، برای جلوگیری از خلاء قدرت و هرج و مرج پس از سرنگونی رژیم؛ این اتحاد می‌تواند بستری برای یک گذار مسالمت‌آمیز و منظم به سوی دموکراسی باشد. و در نهایت، برای هم‌افزایی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مختلف، به گونه‌ای که مجموع قدرت جبهه مبارزاتی به مراتب از تکتک اجزا بیشتر شود.

نیروهای ملی‌گرا، با هر دیدگاه و گرایشی، باید در خط مقدم این اتحاد قرار گیرند، زیرا این همکاری بهترین راه برای حفظ تمامیت ارضی و منافع ملی ایران، بازگرداندن هویت واقعی ایرانی، و ایجاد بستر یک دموکراسی پایدار است. اتحاد ملی‌گراها، مانعی بر سر راه تجزیه و تفرقه در کشور خواهد بود و فرصتی بی‌بدیل برای نجات ایران از بحران‌های کنونی و ساختن آینده‌ای آزاد، آباد و مترقی فراهم می‌آورد. این فراخوان، بیش از هر چیز، تأکیدی بر مسئولیت‌پذیری تاریخی و ایمان به قدرت شکست‌ناپذیر اتحاد ملی برای تحقق آزادی و دموکراسی در ایران است.

گذار دموکراتیک؛ راه برونرفت از بحران کنونی ایران

گذار دموکراتیک، فرایندی حیاتی برای هر جامعه‌ای است که در پی رهایی از چنگال حکومت‌های غیردموکراتیک و استبدادی است. این مفهوم در بستر ایران امروز، به معنای حرکت از جمهوری اسلامی، نظامی مبتنی بر ولایت فقیه و

سرکوب، به سوی یک دموکراسی پایدار، سکولار و مبتنی بر حقوق بشر است. چنین گذاری فراتر از صرف تغییر یک حکومت، شامل تحولات عمیق در ساختارهای سیاسی، قانونی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. این گذار می‌تواند از طریق مسیرهای متفاوتی چون جنبش‌های انقلابی، قدرت یابی نهادهای دموکراتیک مستقل، ... و یا حتی فروپاشی درونی رژیم صورت پذیرد؛ با این همه، هدف نهایی آن همواره استقرار نظامی است که در آن قدرت از مردم نشأت گرفته، حقوق شهروندان تضمین شده و انتخابات آزاد و عادلانه مبنای مشروعیت حاکمیت باشد.

طرح و تبیین مفهوم گذار دموکراتیک از سوی شاهزاده رضا پهلوی، از اهمیت بالا و بسزایی برخوردار است. در وهله اول، این بحث یک نقشه راه و چشم‌اندازی روشن برای دوران پساجمهوری اسلامی ارائه می‌دهد. این اقدام به جلوگیری از هرج و مرج، خشونت و خلاء قدرت که می‌تواند پیامد طبیعی فروپاشی یک رژیم باشد، کمک شایانی می‌کند. جامعه‌ای که دهه‌ها تحت فشار و ناامیدی بوده، نیاز مبرم به امید و یک مسیر مشخص برای رسیدن به آزادی و ثبات دارد. دوم اینکه، ارائه یک طرح مدون برای گذار دموکراتیک، می‌تواند حمایت گسترده‌ای را در داخل کشور، از طیف‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، و همچنین در عرصه بین‌المللی جلب کند. چنین طرحی، به جامعه جهانی نشان می‌دهد که اپوزیسیون ایران، نه تنها به دنبال سرنگونی، بلکه متعهد به استقرار یک نظام باثبات و دموکراتیک است.

گذار دموکراتیک به معنای ایجاد بستری برای تعیین اصول و ارزش‌های بنیادی حکومتی است که قرار است پس از جمهوری اسلامی بر ایران حاکم شود. این اصول شامل حاکمیت قانون، تفکیک قوا، احترام به حقوق بشر، آزادیهای فردی و اجتماعی، و برابری برای همه شهروندان، بدون توجه به دین، نژاد یا جنسیت است. این نقشه راه، با تأکید بر برگزاری انتخابات آزاد و شفاف، تضمین می‌کند که قدرت به شکل مسالمت‌آمیز و بر اساس آرای مردم منتقل شود و از ظهور دیکتاتوری‌های جدید جلوگیری به عمل آید. در نهایت، بحث گذار دموکراتیک نه تنها یک رویکرد نظری، بلکه یک استراتژی عملی و ضروری برای رهایی ایران از بحران کنونی و حرکت به سوی آینده‌ای روشن‌تر، باثبات‌تر و آزادتر است؛ آینده‌ای که در آن مردم ایران بتوانند سرنوشت خود را به دست گیرند.

وظایف هواداران پادشاهی‌خواه و ملی‌گرا در گذار دموکراتیک

در مسیر دشوار گذار ایران از استبداد به دموکراسی، هواداران پادشاهی‌خواه و ملی‌گرا وظایف مهمی بر عهده دارند. جریانهای سیاسی این طیف با وجود برخی تفاوت‌های جزئی، می‌توانند نقشی کلیدی در همبستگی ملی و آینده کشور ایفا کنند. مهمترین وظیفه، تقویت همبستگی ملی و همکاری با دیگر طیفهای اپوزیسیون است. برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار نظامی مردمی، کنار گذاشتن اختلافات جزئی و تمرکز بر هدف مشترک؛ "گذار دموکراتیک" حیاتی است. پادشاهی‌خواهان و ایران‌گرایان باید با تأکید بر مشترکات تاریخی و منافع ملی ایران، پلی برای اتحاد میان گروه‌های فکری مختلف ایجاد کنند. این یعنی مشارکت در ائتلاف‌ها،

ادامه در برگ ۳

آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی از حقوق تردید ناپذیر ملت ایران است!

وظایف هواداران پادشاهی خواه ... ادامه از برگ ۲

پرهیز از تفرقه و تخریب، و تمرکز بر گفتگوی سازنده برای ایجاد جبهه‌ای واحد.

وظیفه دوم، تبیین روشن و بی‌ابهام تعهد به اصول دموکراتیک، حقوق بشر و سکولاریسم است. این طیفها باید صراحتاً اعلام کنند که در ایران آینده، نظام سیاسی بر پایه رأی مردم، تفکیک قوا، تضمین آزادیهای مدنی و برابری حقوقی بدون تبعیض دینی، قومی یا جنسیتی استوار خواهد بود. این شفافیت برای جلب اعتماد عمومی، به ویژه نسل جوان، ضروری است. همچنین، تعهد به سکولاریسم به معنای جدایی دین از دولت و تضمین آزادی عقیده، از اصول کلیدی است که باید به وضوح بیان شود. وظیفه سوم و عملی، مشارکت فعال در سازماندهی و نهادسازی برای دوران گذار است. این فراتر از داشتن دیدگاه سیاسی است و شامل اقدام عملی برای ایجاد ساختارهایی است که بتوانند خلاء قدرت پس از سرنگونی را پر کرده و به سمت یک دولت انتقالی دموکراتیک حرکت کنند. این می‌تواند شامل تشکیل شوراهای متخصصین، تهیه پیش‌نویس قوانین و ارائه طرحهای عملی برای بازسازی کشور باشد. هواداران پادشاهی‌خواه و ملی‌گرا باید با تکیه بر تجربه تاریخی و درک عمیق از ظرفیت‌های ملی، نقش فعالی در این چارچوب‌های سازنده ایفا کنند تا گذار به دموکراسی هرچه آرام‌تر و سریع‌تر به سرانجام رسد.

موج سرکوب در ایران**اتهام‌های "جاسوسی"، دستگیری‌های سیاسی و راههای مقاومت ملت**

بر بستر رویدادهای اخیر در ایران و موج گسترده دستگیریهای سیاسی، رژیم اسلامی با تشدید سرکوب داخلی، به ویژه در پی اعتراضات گسترده مردمی، افزایش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و شکست تحقیر آمیزش از ارتش اسرائیل، ملت ما با موج فزاینده‌ای از اینگونه دستگیریها روبرو است. یکی از بهانه‌های اصلی و رایج رژیم برای این دستگیریها، اتهام "جاسوسی برای اسرائیل" است. این اتهامات اغلب با پرونده‌سازیهای مبهم، محاکمات ناعادلانه و اعتراضات اجباری همراه بوده و ابزاری برای ساکت کردن مخالفان و ایجاد ترس در جامعه به شمار می‌رود. این وضعیت، ما و به دنبال آن نیروهای میهن پرست و پیشرو را در برابر یک چالش بزرگ قرار داده است: چگونه می‌توان در برابر این سرکوبها مقاومت کرد و فراتر از آن با دشمن زخم خورده به مقابله برخاست و به مبارزه ادامه داد؟ پس از بروز درگیری‌های اخیر در منطقه و به خصوص پس از حملات متقابل ایران و اسرائیل، شدت دستگیریها و اتهامات مرتبط با "جاسوسی" یا "همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه" به شکل چشمگیری افزایش یافته است. سازمانهای حقوق بشری بین‌المللی، مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، بارها نسبت به سوءاستفاده از این اتهامات برای سرکوب مخالفان، فعالان مدنی، روزنامه نگاران، هنرمندان و حتی شهروندان عادی هشدار داده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که صدها نفر در سراسر کشور به بهانه‌های واهی دستگیر و برخی از آنها با حکمهای سنگین، از جمله اعدام، مواجه شده‌اند.

این دستگیریها نه تنها شامل افرادی می‌شود که سابقه فعالیت سیاسی داشته‌اند، بلکه شمار زیادی از افراد عادی را نیز هدف گرفته است. بسیاری از این افراد از حق دسترسی به وکیل مستقل و دادرسی عادلانه محروم هستند و گزارشهای

متعددی از شکنجه برای اخذ اعترافات اجباری منتشر شده است. هدف اصلی این اقدامات، ایجاد فضایی از ترس و وحشت عمومی است تا از شکلگیری هرگونه اعتراض یا حرکت سازمانیافته جلوگیری شود. رژیم با برجسته‌سازی تهدید خارجی (اسرائیل) و ربط دادن آن به هرگونه نارضایتی داخلی، می‌کوشد تا مشروعیت خود را در چشم پشتیبانانش تقویت کرده و اعتراضات را توطئه‌ای خارجی جلوه دهد. این استراتژی، به رژیم اجازه می‌دهد تا هر گونه صدای مخالف را با برجسب "خائن" و یا "جاسوس" متهم کند و آنها را به شدیدترین وجه ممکن مجازات نماید.

افزون بر این، در پی تشدید تنش‌ها، قوانین تازه‌ای در مجلس ایران به تصویب رسیده که مجازات همکاری با "کشورهای متخاصم" را تشدید می‌کند و این امر راه را برای محاکمات سریع‌تر و احکام سنگین‌تر هموار می‌سازد. این رویکرد، می‌کوشد تا فضای لازم برای توجیه اعدامهای سیاسی ایجاد کند و تاکنون نگرانیهای عمیقی در هازمان (جامعه) جهانی و سازمانهای حقوق بشری برانگیخته است. اما از سوی دیگر، ملت ایران نیز در طول تاریخ خود، همواره نشان داده که در برابر جور و ستم تسلیم نمی‌شود. با وجود شدت سرکوبها، همواره می‌کوشند تا راههای متعددی برای مقاومت و مقابله با رژیم بیافرینند. یکی از همین شیوه‌های مبارزه مقاومت مدنی و نافرمانی‌های بدون خشونت است که یکی از مؤثرترین اشکال مقاومت است. نافرمانی مدنی شامل عدم همکاری با قوانین ناعادلانه، اعتصاب، تحریم، و اعتراضات مسالمت‌آمیز است. نمونه‌های اخیر مقاومت زنان در برابر حجاب اجباری، اعتصابات کارگری، و اعتراضات پراکنده در شهرهای مختلف، نشان‌دهنده پتانسیل بالای این نوع مقاومت است. این نوع کنشگری به شرط تداوم، علیرغم سرکوب، می‌تواند هزینه حکومت را بالا برده و انسجام آن را تضعیف کند. در ادامه؛ در دوران سرکوب و سانسور، اطلاع رسانی درست و روشنگری درباره واقعیت‌ها اهمیت بسیار بسزایی دارد. استفاده از شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های آلترناتیو، و ابزارهای دور زدن فیلترینگ برای انتشار اخبار مربوط به دستگیری‌ها، شکنجه‌ها، و بی‌عدالتی‌ها، می‌تواند به شکستن دیوار سانسور و آگاه‌سازی افکار عمومی در داخل و خارج از کشور کمک کند. این امر به ویژه در مقابله با پروپاگاندای رژیم که سعی در بدنام کردن مخالفان به عنوان "جاسوس" دارد، بسیار با اهمیت است.

نیروهای پادشاهی خواه ضمن اعلام همبستگی و حمایت از زندانیان سیاسی، باید با خانواده‌های آنان و فعالان حقوق بشر در ارتباط مداوم باشند و از آنها پشتیبانی کنند. تشکیل گروه‌های حمایتی، اطلاع رسانی درباره وضعیت زندانیان، و تلاش برای جلب توجه نهادهای بین‌المللی به وضعیت آنها، می‌تواند فشار سیاسی بر رژیم را افزایش دهد. این همبستگی نه تنها از روحیه مقاومت حمایت می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری افراد در برابر سرکوب کمک شایانی نماید. در ادامه باید به نقش شبکه‌های مخفی مبارزه و اهمیت وجودی آنها در نهادها و صنف‌های گوناگون اجتماعی اشاره کنیم. با توجه به شدت سرکوب آشکار، ایجاد شبکه‌های مخفی و زیرزمینی برای سازماندهی فعالیتها، توزیع اطلاعات، و هماهنگی اقدامات می‌تواند بسیار مؤثر و سودمند باشد. این شبکه‌ها می‌توانند از افراد مختلف با تخصص‌های متفاوت تشکیل شوند و به صورت غیرمتمرکز عمل نموده تا از نفوذ و سرکوب توسط نیروهای دشمن جلوگیری شود.

نیروهای میهن پرستی که در برون مرز می‌زیزند؛ با فشار بین‌المللی و کسب حمایت از جامعه جهانی، دیپلماسی عمومی، همکاری با سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی، و جلب حمایت دولت‌های دموکراتیک برای فشار بر رژیم ایران در خصوص رعایت حقوق بشر، می‌توانند تأثیرگذار بوده و رژیم را در تنگنای سیاسی قرار دهند. درخواست برای تحریم‌های هدفمند علیه ناقضان حقوق بشر در ایران، حمایت از آزادی اینترنت، و فراهم آوردن پناهگاه امن برای فعالان در معرض خطر، از جمله اقداماتی است که پادشاهی خواهان در عرصه جهانی می‌توانند انجام دهند. ملت ایران می‌تواند با مستندسازی نقض حقوق بشر و ارسال آن به مراجع بین‌المللی، در این زمینه نقش فعالی ایفا کند.

ادامه در برگ ۴

همبستگی ملی و مبارزه برای رهایی از یوغ ستم جمهوری کودک‌کش اسلامی، تنها راه پیروزی است !

موج سرکوب ... ادامه از برگ ۳

تکیه بر تجربه گذشته و درسگیری از اعتراضات پیشین مانند اعتراضات گسترده جنبش سبز، اعتراضات دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و جنبش "زن، زندگی، آزادی" نشان داد که مردم ایران توانایی بالایی در به چالش کشیدن رژیم دارند. واکاوی نقاط قوت و ضعف این اعتراضات، و از آن میان نیاز به دستگاه رهبری منسجم تر، سازماندهی دقیق تر، و استراتژی‌های بلند مدت تر، می‌تواند جنبش ملی را در طراحی راهها و تاکتیکهای غافلگیر کننده مناسب برای ادامه مقاومت و مبارزه راهگشا باشد.

موج کنونی دستگیریهای سیاسی و اتهامات جاسوسی در ایران، از یکسو انتقام شکست نظامی-سیاسی اش در برابر ارتش اسرائیل از مردم ایران و از سوی دیگر نشانه‌ای از وحشت رژیم از اعتراضات داخلی و تلاش برای حفظ بقای خود از طریق سرکوب است. با این وجود، تاریخ نشان داده که هیچ رژیم سرکوبگری قادر به خاموش کردن دائمی ندای دادخواهی و آزادیخواهی یک ملت نیست. مقاومت در برابر این ستم، نیازمند شجاعت، آگاهی، همبستگی، و استفاده از تاکتیکهای متنوع و هوشمندانه مبارزه است. ملت ایران با تکیه بر تجربیات گذشته، بهره‌گیری از ظرفیتهای داخلی و جلب حمایت بین‌المللی، می‌تواند به مبارزه خود ادامه دهد و راه را برای آینده‌ای روشن‌تر هموار سازد. مبارزه با جمهوری گندیده اسلامی، نه با خشونت کور، نه با رفتارهای شتابزده و هیجانی، نه با عوامگرایی، بلکه با آگاهی، سازماندهی، و پایداری در برابر خشونت و ستم دستگاه حاکم به پیش خواهد رفت و تجربه بارها نشان داده و باز هم نشان خواهد که سرانجام داد بر بیداد و نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.

اهداف شوم خود دست یابند. این رفتار، به جای آنکه نشانه قدرت و انسجام باشد، ناامنی و بی‌نظمی را به ذهن ناظران بیرونی متبادر می‌کند.

هواداران جنبش پادشاهی ایران باید توجه داشته باشند؛ جنبشی که داعیه دار تغییر یک دستگاه حکومتی و برپایی ساختاری برتر (در اینجا سامانه شاهنشاهی) است، باید بتواند در کردار، گفتار و عملکرد روزانه خود، نشانگر شایستگی برای برعهده گرفتن مسئولیت‌های سنگین پس از سرنگونی رژیم کنونی باشد. هواداری که به نظم، امنیت و تفکر استراتژیک اهمیت نمی‌دهد، نمی‌تواند حامل پیمایی از ثبات و کارآمدی برای آینده ایران باشد. این گونه رفتار نه تنها کمکی به اندیشه پاک پادشاهی و میهن پرستی نمی‌کند، بلکه با مخدوش کردن فضای امنیتی پیرامون شاهزاده، به شدت به سود دشمن عمل می‌کند. دشمنان جنبش ملی ایران از چنین بی‌نظمی‌هایی برای القای تصویر هرج و مرج و عدم توانایی در مدیریت استفاده می‌کنند.

هواداران فرهیخته و میهن پرست پادشاهی‌خواه؛ در مبارزات جاری آنچه را که باید سرلوحه پیکار خود در نبرد با جمهوری ننگین اسلامی و پشتیبانی از شهریار میهن، قرار دهند این است که ضمن شرکت فعال و پرشور در گردهمایی‌های اعتراضی و پشتیبانی از آماژهای (اهداف) جنبش ملی، همواره به سخنان و دستورالعملهای مسئولین امنیتی گوش فرا دهند و به آنها عمل کنند. هدف ما برپایی یک گردهمایی موفقیت‌آمیز، منظم و تاثیرگذار است که هیچ‌گونه دستاویزی به دشمن برای پیاده کردن آماژهای شومش و به رقیبان سیاسی که منتظرند تا جنبش میهن پرستانه ایرانیان را خوار و ناچیز بشمرند، ندهد. نظم، امنیت و هوشیاری ما در این گردهمایی‌ها، بهترین گواه بر آمادگی ما برای ساختن ایرانی آزاد و آباد خواهد بود.

جنگ و تهدیدهای فزاینده علیه مردم ایران

مهاجرت گسترده مردم پایتخت و شهرهای بزرگ ایران؛ در یک قلم مهاجرت بیش از شش میلیون نفر از تهران به مازندران، همراه با آشفتگی‌های ناشی از شرایط جنگی و بی‌برنامگی‌های دستگاه دولتی، قطعاً می‌تواند خطر کمبود در عرصه‌های گوناگون زندگی روزانه را بر مردم ما افزایش دهد. این وضعیت پیچیده، به دلیل مختلفی، فشار زیادی بر زنجیره تأمین خوراک، سرپناه امن، بهداشت و ... وارد کرده و دسترسی به آنها را بسیار سخت می‌کند. در پرتو چنین واقعیتی بر آن شدیم تا نگاهی فشرده، اما ژرف به برخی تهدیدها که وضعیت جنگی علیه مردمان ایجاد می‌کند، داشته باشیم و این پرسش در برابر ما قرار می‌گیرد که؛ با احتمال طولانی شدن این جنگ و پیامدهای فاجعه بار و بسیار گسترده آن، به راستی چه بر سر ملت ما خواهد آمد؟

شمال ایران، اگرچه دارای منابع طبیعی و کشاورزی نسبتاً ثروتمندی است، اما گنجایش محدودی برای پذیرش ناگهانی و طولانی مدت میلیون‌ها نفر از نظر زیرساختها، سرپناه، آب، برق و به ویژه تأمین خوراک دارد.

افزایش ناگهانی جمعیت در این مناطق می‌تواند منجر به کمبود فوری مواد خوراکی، افزایش شدید قیمت‌ها و فشار بر سیستم توزیع محلی شود. این جابجایی می‌تواند تعادل عرضه و تقاضا را به هم زده و باعث احتکار و بازار سیاه شود. چنین آشفتگی ای منحصر به شمال ایران نبوده و می‌تواند با طولانی شدن جنگ، در جای جای ایران علیه مردم شکل بگیرد. در شرایط جنگی، قطعاً اولویتهای دستگاه جنگ افروز جمهوری غارتگر اسلامی به سمت مسائل نظامی و دفاعی سوق پیدا کرده و رمقی برای برنامه ریزی و مدیریت مؤثر توزیع غذا و سایر نیازهای اساسی شهروندان، برای آنها نمی‌گذارد. از یکسو ضعف در هماهنگی بین نهادهای مختلف، فساد، دزدی، رشوه خواری و ناتوانی

ادامه در برگ ۵

رفتارهای آسیب زا در جنبش ملی ایرانیان

نقدی بر هیجان زدگی و بی‌نظمی

در هر جنبش سیاسی - اجتماعی که آماژ (هدف) آن دگرگونی بنیادین در ساختار حکومتی و نجات یک ملت از چالشهای موجود است، رفتار هواداران و پشتیبانان نقش بسزایی در موفقیت یا شکست آن ایفا می‌کند. جنبش ملی ایرانیان که با هدف بازگرداندن ایران به مسیر شکوفایی و دموکراسی در جریان است، نیز از این قاعده مستثنی نیست. آنچه که در برخی مواقع در رفتار برخی از هواداران شاهزاده رضا پهلوی، این تأثیرگذارترین چهره اپوزیسیون، مشاهده می‌شود - از آن میان؛ هجوم‌های هیجانزده و عدم رعایت ملاحظات امنیتی - نه تنها می‌تواند برای جان ایشان خطر آفرین باشد، بلکه به کلیت این جنبش نیز آسیبهای جدی وارد می‌کند.

بارها در میان ایرانیان مشاهده شده است که در مواجهه با شخصیت‌های سیاسی برجسته، بویژه در رابطه با شاهزاده رضا پهلوی، برخی از هواداران به راحتی اجازه می‌دهند تا احساسات بر عقلشان غلبه کند و اختیار از دست بدهند، و این خود یک ایراد بزرگ و اساسی است. هواداری از یک شخصیت سیاسی که قرار است مسئولیت رهبری یک کشور را بر عهده بگیرد، بسیار متفاوت از هواداری از یک هنرمند یا تیم فوتبال است. در حوزه سیاست، هر حرکت و هر واکنشی باید با درایت و هوشمندی همراه باشد. احساسات‌انی، گرچه نشان از شور و علاقه دارد، اما در یک نبرد سیاسی بزرگ می‌تواند به ابزاری در دست دشمن تبدیل شود. وقتی هواداران بدون رعایت پروتکل‌های امنیتی به سوی یک چهره سیاسی هجوم می‌آورند، نه تنها امنیت فرد مورد نظر را به خطر می‌اندازند، بلکه فرصت را برای خرابکاران یا نفوذی‌های رژیم فراهم می‌کنند تا به

پیروز باد انقلاب ملی-دمکراتیک ملت ایران به رهبری شاهزاده رضا پهلوی!

جنگ و تهدیدها ... ادامه از برگ ۴

در پیش‌بینی و واکنش به نیازهای جمعیت جابجا شده، می‌تواند وضعیت را برای ملت ما وخیم‌تر از آنی که هست بکند. از سوی دیگر درگیری‌ها و اختلالات نظامی ممکن است مسیرهای حمل و نقل و لجستیک را مختل کرده، رساندن مواد غذایی از مناطق تولید به مناطق مصرف را دشوارتر از آنچه که اینک هست، سازد.

شرایط جنگی می‌تواند مسیرهای دریایی و هوایی واردات را ناامن کرده و یا به دلیل تحریم‌ها و مشکلات مالی، امکان خرید و واردات را با چالش مواجه سازد. شرایط جنگی می‌تواند کاهش واردات و یا نابودی واردات را به‌همراه بیاورد که این خود شکاف بزرگی در تأمین نیازهای غذایی ایجاد کند. در کنار آن؛ شرایط جنگی معمولاً با تورم شدید و کاهش ارزش پول ملی همراه است. تا همین جا مردم ما متحمل خسرانهای شدیدی از این بابت شده‌اند. کاهش بیشتر ارزش پول ملی باعث می‌شود قیمت مواد غذایی به شدت افزایش یابد و قدرت خرید مردم، به خصوص طبقات کم‌درآمد، کاهش یابد و دسترسی آن‌ها به غذای کافی کمتر شود.

میدانیم و تجربه جنگ عراق علیه ایران نشان داده است که ترس و وحشت ناشی از جنگ و شایعات کمبود، می‌توانند منجر به احتکار گسترده توسط افراد سودجو و فروشگاه‌ها شود که خود، به خودی خود باعث کمبود مصنوعی و افزایش قیمت‌ها می‌شود. تجربه تاریخی ایران، از جمله قحطی‌های زمان جنگ جهانی اول و دوم، نشان می‌دهد که عوامل متعددی از جمله خشکسالی، اشغال، احتکار، و اختلال در سیستم توزیع، می‌توانند منجر به فجایع انسانی شوند. از این منظر؛ برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که تا هم‌اکنون نیز مردم در تهران و شهرهای بزرگ با قفسه‌های خالی فروشگاه‌ها و صف‌های طولانی برای نان و یا سوخت روبرو بوده‌اند. با توجه به حجم بالای مهاجرت از تهران و شهرهای بزرگ، آشفته‌گی‌ها و بی‌برنامگی‌های دستگاه‌های دولتی در شرایط جنگی، و فشار بر منابع و سیستم توزیع؛ خطر قحطی یا حداقل کمبود شدید و گسترده مواد غذایی و افزایش چشمگیر قیمت‌ها که به فقر غذایی منجر می‌شود، مردم ایران را تهدید می‌کند. مدیریت این بحران نیاز به برنامه‌ریزی فوری، هماهنگی مؤثر، تأمین امنیت مسیرهای حمل و نقل، و توزیع عادلانه منابع دارد که در شرایط جنگی و با ناتوانی‌هایی که از دستگاه فاسد و غارتگر این جمهوری ایران ستیز سراغ داریم، بسیار دشوار و بعید به نظر می‌رسد. با توجه به وضعیت بحرانی و پیچیده‌ای که تا به اینجا به آنها اشاره شد، نیروهای مبارز و سرنگونی‌خواه ما باید توجه داشته باشند؛ در شرایط کنونی که مردم میهن ما با خطر قحطی و بحران‌های انسانی مواجه هستند، وحدت و همبستگی میان تمامی گروه‌های اپوزیسیون ملی‌گرا و مردم بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. هدف مشترک باید نجات ایران از بحران‌های فعلی و تضمین آینده‌ای با ثبات و رفاه برای همه ایرانیان باشد. از هرگونه تفرقه و درگیری داخلی که می‌تواند توان نیروهای مبارز را تحلیل ببرد، باید جداً پرهیز شود. تجربه رویدادهایی چون زلزله، جنگ، سیل و ... نشان داده‌اند که در بحبوحه یک بحران انسانی احتمالی، تمرکز بر امدادسانی فوری به مردم آسیب دیده و سازماندهی کمک‌های مردمی می‌تواند بسیار مؤثر باشند. این کار نه تنها به کاهش رنج مردم کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تقویت پایگاه اجتماعی نیروهای مبارز و نشان دادن قابلیت‌های مدیریتی آنها منجر شود. ایجاد شبکه‌های کمک رسانی مستقل و مردمی می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کرده و با اتکا به نفس حاصله، آنها را در مبارزه با جمهوری ننگین اسلامی، منسجم‌تر می‌سازد. افزون بر آنچه که تاکنون نوشته شد؛ با در نظر گرفتن وضعیت آشفته برنامه‌ریزی در دستگاه فاسد حاکم، نیروهای مبارز باید برنامه‌ای مدون و واقع‌بینانه

برای دوران گذار داشته باشند. این برنامه باید شامل جزئیات مشخصی برای مدیریت بحران‌های اقتصادی، تأمین امنیت غذایی، بازسازی زیرساخت‌ها و حفظ نظم عمومی باشد. نشان دادن چنین آمادگی و چشم‌اندازی، می‌تواند امید و اعتماد را در میان مردم و پشتیبانان افزایش دهد. در همین راستا هست که شاهزاده رضا پهلوی، رهبر انقلابی ملی-دمکراتیک ملت ایران بدرستی می‌فرماید: "نگران فردای پس از سقوط جمهوری اسلامی نباشید. ایران دچار جنگ داخلی و بی‌ثباتی نخواهد شد. ما برای آینده ایران و شکوفایی‌اش برنامه داریم. ما برای صد روز نخست پس از سقوط دوران گذار و استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک برای ملت ایران و به دست ملت ایران آماده‌ایم." از سوی دیگر؛ در شرایط جنگی و بحرانی، اطلاع‌رسانی شفاف و مبارزه با اخبار نادرست و پروپاگاندا اهمیت بسزایی دارد. نیروهای مبارز باید با ارائه اطلاعات دقیق و بروز از وضعیت، از ایجاد وحشت بیمورد جلوگیری کرده و در عین حالی که مسئولین را در قبال کمبودها و نارساییها پاسخگو نگاه می‌دارند، باید بتوانند اخبار و گزارشات محله‌هایی که پیش از بمبارانها باید تخلیه شوند، را به آگاهی مردم آن مناطق برسانند. نیروهای مبارز و پادشاهی‌خواه ما باید بدانند که با وجود تمام سختی‌ها، چالش‌ها و خطراتی که مردم میهن ما را تهدید می‌کنند، حفظ روحیه و امید در میان مردم و نیروهای مبارز بسیار مهم است. در هر گام و هر مرحله از این مبارزه سخت و نفس‌گیر با دشمن جنگ افروز و غارتگر، با تأکید بر پتانسیل‌های موجود در هازمان (جامعه) ایران و توانایی مردم برای عبور از بحرانها، باید بتوانیم انرژی لازم برای ادامه و استمرار مبارزه را تأمین کنیم. و چنین باد!

جنگ، ضربه‌پذیری رژیم و سکوت مردم

پس از حمله‌های سهمگین نیروی هوایی اسرائیل به میهنمان، چرا مردم برای سرنگونی رژیم به خیابانها نیامدند؟! پس از یورشهای برق‌آسای نیروی هوایی اسرائیل به سرزمین ما، چگونه که بسیاری می‌پنداشتند مردم به خیابانها نیامده و یا دست کم مبارزات روزانه خود در چارچوب مبارزات صنفی، اجتماعی و سیاسی را نه تنها شدت نبخشیده، بلکه اساساً به نظاره‌گر اوضاع تبدیل شدند! چرا؟ در شرایط کنونی ایران، با وجود نارضایتی گسترده مردم از رژیم حاکم، تمایل قابل توجهی برای شرکت در مبارزه جهت سرنگونی مشاهده نشد. می‌کشیم تا این وضعیت پیچیده را از زوایای مختلفی باز کنیم، اما همین جا متذکر می‌شویم که دلایلی که آورده می‌شوند، همه این مجموعه نیست و ما در اینجا تنها به برخی از آنها می‌پردازیم. یکی از دلایل اصلی عدم تمایل کنونی مردم به مشارکت فعال در مبارزه، شوک و نوعی خستگی روانی است که از تکرار تجربه‌های مشابه در چهار دهه گذشته سرچشمه می‌گیرد. در ۴۶ سال گذشته بارها موقعیتهای درگیری و تنش با قدرتهای جهانی مانند اسرائیل و آمریکا پیش آمده بود. اما هر بار، این بحرانها به نحوی مدیریت شده و از درگیری تمام عیار پیشگیری شده است. این روند باعث شده که نوعی پیش‌بینی‌پذیری کاذب در ذهن مردم شکل بگیرد؛ آنها گمان می‌کنند که "این بار هم مانند دفعات قبل خواهد بود" و در نهایت از وقوع فاجعه جلوگیری خواهد شد. این باور، حس اضطراب برای اقدام را کاهش می‌دهد و به جای آمادگی برای مبارزه، به انتظار برای فروکش کردن بحران منجر می‌شود. افزون بر این، تجربه مبارزات گذشته و سرکوبهای شدید، به ویژه جنبش‌هایی مانند اعتراضات دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و "زن، زندگی، آزادی"، هزینه‌های جانی، مالی و روانی سنگینی را بر ملت ما تحمیل کرده است. این تجربیات، با وجود نارضایتی عمیق، شاید که توانست نوعی یأس و درماندگی در میان برخی از اقشار مختلف جامعه ایجاد کرده باشد. مردم با مشاهده



پیروزی



مبارزه



اتحاد

نمی‌توان از تأثیر عمیق فشار شدید اقتصادی و معیشتی بر زندگی روزانه مردم چشم پوشید. در شرایطی که بخش عمده‌ای از انرژی و تمرکز افراد صرف تأمین نیازهای اولیه زندگی (خوراک، پوشاک، مسکن و درمان) می‌شود، فرصت و توان ذهنی و جسمی کمتری برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی باقی می‌ماند. فقر، بیکاری، تورم افسارگسیخته و همه‌گونه نابرابریهای اجتماعی از یکسو و از سوی دیگر جنگ و مهاجرت‌های نوده‌ای ناخواسته شهروندان به شهرها و روستاها و مشکلات و گرفتاریهای ناشی از آن را هم به این مجموعه بیافزاید. همه اینها مردم را درگیر چالش‌های روزانه بزرگی کرده و انگیزه آنها را برای پرداختن به مسائل کلانتر اجتماعی کاهش می‌دهد. زمانی که بقای فردی و خانوادگی در اولویت قرار می‌گیرد، مفهوم مبارزه برای تغییرات سیاسی بزرگ، به حاشیه رانده می‌شود. ترس از دست دادن حداقل‌های موجود، مانع از حرکت به سمت ناشناخته‌ها و پذیرش خطرهای احتمالی تازه تر می‌شود. در مجموع، عدم تمایل توده‌ها به مبارزه برای سرنگونی رژیم در ایران در شرایط جنگی 12 روزه با اسرائیل، نتیجه ترکیبی از عوامل روانشناختی (شوک و خستگی)، اجتماعی (مهاجرت و تخلیه مراکز اعتراضی)، سیاسی (عدم اعتماد به بازیگران خارجی و داخلی) و اقتصادی (فشارهای معیشتی) است. این عوامل، در کنار یکدیگر، فضایی از یأس، بی‌اعتمادی و بی‌حرکی را ایجاد کرده‌اند. که مانع از شکلگیری یک حرکت گسترده و هدفمند مردمی می‌شود، حتی با وجود نارضایتی عمیق و فراگیر از وضع موجود.

آتش بس و تحقیر همه جاتبه "نظام"

با برقراری آتش بس میان ارتشهای اسرائیل و جمهوری اسلامی، وضعیت برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شکلی بیسابقه دگرگون شده است. خسارت‌های وارده بر این نیروی نظامی فراتر از حد تصور بوده و ابعاد گسترده‌ای از توانمندیها و جایگاه آن را تحت الشعاع قرار داده است. جمهوری ایران ستیز اسلامی نه تنها با از دست دادن فرماندهان جنایتکار سپاهی اش، نیروی انسانی کارآموده و حجم وسیعی از تجهیزات نظامی پیشرفته مواجه شده، بلکه ویرانی قابل توجه تأسیسات هسته‌ای نیز ضربه مهلکی بر برنامه‌های استراتژیک آن وارد کرده است. این آتش‌بس، فارغ از نتایج میدانی، پیامدهای ژرفتری در پی داشته است: تحقیر در نزد افکار عمومی جهان، ملت ایران و حتی هواداران سابق خود. این تحقیر، می‌تواند معانی گوناگونی در محافل مختلف داشته باشد که در ادامه بطور چکیده به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم. برای سالها، جمهوری ننگین اسلامی و سپاه پاسداران، خود را نماد قدرت و مقاومت در برابر "دشمنان" معرفی کرده بودند. تلویزیون دولتی و رسانه‌های وابسته، تصویری شکست ناپذیر از این نهادها ارائه می‌دادند. اکنون، با مشاهده حجم خسارات و پذیرش آتش‌بس در شرایطی که بنا بر شواهد غیرقابل انکار به نظر می‌رسد دست برتر با طرف مقابل بوده، این تصویر شدیداً خدشه دار شده است. مردم ایران که سالها تحت فشار اقتصادی و اجتماعی قرار داشته‌اند و بخش زیادی از منابع کشور صرف هزینه‌های نظامی و منطقه‌ای شده است، اکنون این پرسش را پیش می‌کنند که هزینه این سیاست‌ها چه بوده و دستاورد آن برای ملت چیست؟ این تحقیر نه تنها مردم را نسبت به حاکمیت بی‌اعتمادتر از گذشته می‌کند، بلکه تشنه پوشالی بودن "قدرت نظام" را هرچه بیشتر در برابر دید همگان قرار داده و با افزایش نارضایتی‌های داخلی موجب تقویت جنبشهای اعتراضی می‌شود. در سطح بین‌المللی، جمهوری لاف زن اسلامی همواره تلاش کرده بود خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، با نفوذ گسترده نشان دهد. اکنون، این آتش‌بس و خسارات وارده، به تضعیف جایگاه جمهوری بدنهاد اسلامی در معادلات منطقه‌ای و جهانی منجر خواهد شد. کشورهایی که پیش از این **ادامه در برگ ۷**

شدت سرکوب و عدم دستیابی به نتایج ملموس در گذشته، انگیزه کمتری برای ورود به درگیریهای پرخطر، بویژه در بحبوحه جنگ که رژیم براحثی برچسب "جاسوس" و "ستون پنجم" به مبارزان و آزادیخواهان می‌زند، از خود نشان می‌دهند.

دومین دلیل مهم، پدیده مهاجرت داخلی و خارجی، به ویژه از شهرهای بزرگ نظیر تهران است. در سالهای اخیر، به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، بسیاری از جوانان و افراد تحصیل کرده، شهرهای بزرگ را ترک کرده‌اند. این مهاجرت، نه تنها به خارج از کشور، بلکه به شهرهای کوچکتر یا حتی مناطق روستایی نیز گسترش یافته است. شهرهای بزرگ، به ویژه پایتخت، همواره کانون اصلی تجمعات، اعتراضات و آغاز حرکت‌های انقلابی بوده‌اند. تخلیه بخشی از پتانسیلهای اعتراضی از این مراکز، به معنای کاهش تراکم جمعیت فعال و مطالبه‌گر در نقاط استراتژیک است. وقتی بدنه اصلی و فعال جامعه که می‌توانست محرک تغییر باشد، در حال جابجایی یا خروج است، خلأی در بستر اجتماعی لازم برای یک قیام سراسری ایجاد می‌شود. این وضعیت، سازماندهی و بسیج توده‌ها را دشوارتر می‌کند و حتی اگر نارضایتی عمومی وجود داشته باشد، به دلیل عدم وجود "مرکز ثقل" کافی، توانایی تبدیل شدن به حرکت‌های بزرگ را دست کم در کوتاه مدت نخواهد داشت.

یکی دیگر از موانع اصلی، عدم اطمینان مردم به انگیزه‌ها و اهداف قدرتهای خارجی، به ویژه آمریکا و اسرائیل است. بسیاری از مردم ایران، با تجربه مداخلات تاریخی و مشاهده سیاستهای پیچیده بین‌المللی از یکسو، و از سویی دیگر تبلیغات گسترده رژیم علیه این کشورها و یهودی ستیزی تاریخی بخش بزرگی از دستگاه پروپاگاندای دولتی حتی بر روی بخش بزرگی از روشنفکران، چپ‌ها، اصلاح‌طلبان و... مردم ما را به این باور نرسانده است که هدف اصلی این کشورها "آزادی واقعی ایرانیان" باشد. ترس از جایگزینی دیکتاتوری با هرج و مرج، یا بروز جنگ داخلی و تجزیه و بالکانیزه شدن کشور، هراس‌هایی جدی هستند که چه بخواهیم و یا نخواهیم در میان مردم ما وجود دارد.

این عدم اعتماد، به دلیل سابقه حمایت‌های خارجی از گروه‌هایی که بعداً به قدرت نرسیدند یا حتی به ضرر مردم هم عمل کردند (حمایت صدام حسین از سازمان مجاهدین خلق)، ریشه دوانده است. از این رو، مردم تمایل ندارند خود را وارد "بازی‌هایی" کنند که نتیجه نهایی آن برایشان مبهم و می‌تواند بالقوه خطرناک باشد. شاید آنها ترجیح داده‌اند با وجود مشکلات، وضع موجود را تحمل کنند تا اینکه وارد ماجراجویی‌هایی شوند که ممکن است به مراتب بدتر از وضعیت فعلی باشد.

یکی از مهمترین دلایل عدم پیوستن توده‌ها به مبارزه سراسری و هدفمند، نبود خود سازمان مبارزه است. سازمانی که مورد اعتماد آنها باشد و قابلیت اینرا داشته باشد که بتواند نارضایتیهای پراکنده را به یک جنبش منسجم و هدفمند تبدیل کند. در غیاب چنین سازمان مبارز و فراگیری که قابل قبول برای همه اقشار هازمان (جامعه) باشد؛ جنبشهای اعتراضی اغلب به صورت پراکنده و بی‌هدف باقی می‌مانند. مردم نمی‌دانند قرار است به چه سمتی حرکت کنند، امروز دست به کدام شکل از مبارزه بزنند و این مبارزات چگونه جمع‌بندی خواهد شد و برنامه مبارزاتی فردایشان چه هست؟! افزون بر آن؛ در شرایط جنگی، آینده برای مردم ما تیره می‌نماید و تصور یک چشم انداز روشن و امیدبخش پس از سرنگونی غبار آلود میشود. وقتی آینده مبهم است و بیم از هرج و مرج یا روی کار آمدن وضعیتی بدتر وجود دارد، طبیعی است که افراد محتاطتر عمل کنند. مردم نیاز به یک امید و انگیزه قوی دارند تا خطرات مبارزه را به جان بخرند. این امید و انگیزه از سوی همان سازمان مبارزیست که با حضور خود در میان مردم، میباید به آنها تزریق کند. گروه‌های اپوزیسیون خارج از کشور نیز که از آزادی عمل بسیار بیشتری برخوردارند، به دلیل پراکندگی و عدم اتحاد، نتوانسته‌اند انسجام مبارزاتی لازم در میان ایرانیان برون مرز ایجاد کنند، چه رسد به ایفای همین نقش در درون ایران. در نهایت،

سرنگون باد جمهوری ننگین اسلامی!

آتش بس و تحقیر ... ادامه از برگ ۶

از نفوذ رژیم نگران بودند، اکنون ممکن است به دنبال راههایی برای مهار بیشتر آن باشند تحقیر نظامی و از دست دادن بخش مهمی از توان هسته‌ای، کارت های چانه زنی این جمهوری شکست خورده در مذاکرات بین‌المللی را به شدت کاهش خواهد داد و ممکن است منجر به انزوای بیشتر آن در جامعه جهانی شود.

"محور مقاومت" عنوانی است که این جمهوری مردم فریب، برای گروه‌های نیابتی خود در منطقه، مانند حزب‌الله در لبنان، حماس در غزه، حوثی‌ها در یمن و گروه‌های شبه‌نظامی در عراق و سوریه به کار می‌برد. این گروه‌ها همواره به توان نظامی و حمایتی رژیم برای ادامه فعالیت‌های خود متکی بوده‌اند. تحقیر سپاه پاسداران و ضعف آن در برابر اسرائیل، می‌تواند به سستی پایه‌های این محور منجر شود. این گروه‌ها ممکن است اعتماد خود را به توانایی رژیم در حمایت از آنها از دست بدهند و به دنبال راههای دیگری برای تأمین منافع خود باشند. این امر به فروپاشی یا تضعیف جدی این شبکه نیابتی و در نتیجه کاهش نفوذ منطقه‌ای این رژیم مذهبی بینجامد.

در نهایت، آتش‌بس اخیر و پیامدهای آن، فراتر از یک رویداد نظامی، یک نقطه عطف در تاریخ رژیم و سپاه پاسداران است. خسارات و تحقیر ناشی از این نبرد، قطعاً پیامدهای عمیق و بلند مدتی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای این جمهوری ناپاک در پی خواهد داشت و قطعاً آینده سیاسی و نظامی این "نظام" را به شکل قابل توجهی تحت تأثیر منفی قرار میدهد.

چرا تک برگی "فراخوان"؟

در شرایط حساس کنونی، که جنگ میان اسرائیل و جمهوری اسلامی سایه خود را بر منطقه و زندگی هم‌میهن‌انمان افکنده است، نیاز به ارتباط سریع، شفاف و مداوم با هواداران و گروه‌های مبارز مردمی، بیش از پیش احساس می‌شود. نشریه تک برگی "فراخوان" پاسخی به همین نیاز مبرم است. در روزهایی که هر لحظه می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد، "فراخوان" در ابتدا با هدف تبیین و تفسیر موضع و وظایف اعضا و هواداران انجمن پادشاهی‌خواهان پیشرو منتشر شد. در میانه هیاهوی اخبار و واکاوی‌های گوناگون، این نشریه پناهمگاهی برای یافتن دیدگاه‌های روشن و راهبردی مشخص پادشاهی‌خواهان، در برابر چالش‌های کنونی است. با مطالعه "فراخوان"، شما نه تنها از مواضع دقیق انجمن آگاه می‌شوید، بلکه با وظایف مبارزاتی مشخص خود در این برهه حساس نیز آشنا خواهید شد تا بتوانید نقشی فعال و مؤثر در پیشبرد آماژهای میهن پرستانه اتان ایفا کنید. این نشریه، صدای راهنمای شما در دل بحران خواهد بود.

با برقراری آتش بس، اگرچه ماهیت بحران تغییر شکل می‌دهد، ولی تا زمانی که جمهوری اسلامی هست، بحران از میان نمی‌رود، زین روی نیاز به ارتباط و آگاهی رسانی نیز هرگز از میان نمی‌رود. "فراخوان" می‌کوشد به منظور حفظ ارتباطی منظم و سریع با هواداران و دیگر توده‌های مبارز به راه خود ادامه دهد. در شرایط کنونی، نشریه با توضیح رهنمودهای مبارزات انقلابی و موضعگیری‌های انجمن در رابطه با مسائل مبارزاتی و اجتماعی تلاش خواهد کرد تا به انسجام فکری و عملی هواداران در اقصی نقاط جهان یاری رساند.

چرا باید "فراخوان" را بخوانید و به آن عمل کنید؟ شاید از خود بپرسید چرا در میان این همه اطلاعات، "فراخوان" اهمیت دارد و خواندن آن چه سودی برای شما خواهد داشت؟ "فراخوان" خلاصه‌ای از مهمترین تحلیل‌ها و مواضع ما را در قالبی مختصر و قابل درک ارائه می‌دهد. در دنیای پر هرج و مرج اطلاعات، این نشریه قطب نمای شما برای درک صحیح وقایع است. فراخوان اصلاً یک نشریه خبری نیست؛ "فراخوان" حاوی رهنمودهای عملی برای مبارزه و فعالیت‌های شماست. با خواندن آن، نه تنها به افزایش آگاهی سیاسی خودمی‌افزایید، بلکه درخواهید یافت چرا و چگونه باید در راستای اهداف مشترک مبارزه ملی-انقلابی برای رهایی از این جمهوری پلشت اسلامی، گام بردارید. این نشریه کانالی مستقیم برای رسیدن صدای انجمن پادشاهی‌خواهان پیشرو به شما و دریافت بازخورد شماست. با مطالعه آن، شما بخشی

از یک شبکه فعال و پویا خواهید بود. با درک و عمل به رهنمودهای "فراخوان"، شما به تقویت همبستگی و انسجام در صفوف مبارزان کمک می‌کنید. هر چه بیشتر اعضا و هواداران با یکدیگر همسو شوند، توانایی ما برای اثرگذاری و رسیدن به اهداف مشترک مبارزاتی بیشتر خواهد شد.

در نهایت، "فراخوان" چیزی بیش از یک تک برگ کاغذ است. این بیابیه تعهد ما به آزادی و پیشرفت ایران و فراخوانی برای اقدام و اتحاد عمل است. با خواندن "فراخوان" و عمل به رهنمودهای آن، شما به بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبشی تبدیل می‌شوید که برای رسیدن به آینده‌ای روشنتر، آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی برای همه ایرانیان می‌رزد. "فراخوان" صدای انجمن پادشاهی‌خواهان پیشرو است؛ صدایی که مبارزه را هدایت می‌کند، صفوف را منسجم می‌سازد و به هواداران و توده‌های مبارز جهت می‌دهد. هر شماره از این نشریه، نه تنها یک پیام، بلکه یک نقشه راه برای عمل و پایداری در مسیر مبارزه است. پس "فراخوان" را بخوانید و خواندن آنرا به دوستان و آشنایان خود پیشنهاد کنید. به رهنمودهای مبارزاتی آن عمل کنید و در مسیر تحقق اهداف انقلاب ملی ایرانیان به رهبری شهریار میهن شاهزاده رضا پهلوی، پیشگام باشید.

جنگ، موضع و وظایف ما

در پی یورش هوایی ارتش اسرائیل به خاک میهن عزیزمان ایران، در نیمه شب ۲۳ خرداد، بخش‌هایی از قرارگاه‌های نظامی، تسلیحاتی و هسته‌ای کشور دچار خسارات جدی شده‌اند. همچنین، شماری از فرماندهان نظامی و ضد مردمی سپاه، از آن میان محمد باقری، حسین سلامی، غلامعلی رشید و ... به "هلاکت" رسیدند. انجمن پادشاهی‌خواهان پیشرو، همانگونه که پیشتر بارها و با صدای رسا اعلام کرده است، هرگونه یورش نظامی از سوی هر کشور خارجی به درون مرزهای سرزمینمان را تجاوز به تمامیت ارضی ایران ارزیابی کرده، و آنرا پیامد سیاستهای بغایت واپسگرایانه و ضد مردمی رژیم دانسته و آنرا محکوم می‌کند. انجمن ما بارها در گذشته و در مناسبت‌های گوناگون اعلام کرده و بار دیگر با بانگی رسا اعلام میدارد که جنگ را راه چاره دردهای بی‌شمار ملت ایران از دست این رژیم پلید نمی‌داند و آنچه را که امروز میهن ما با آن درگیر است، پیامد مستقیم و اجتناب‌ناپذیر سیاستهای جنگ طلبانه و غلط رژیم حاکم بر ایران است.

سیاست‌هایی که سوریه را به ورطه نابودی کشاند، مردم غزه را به خاک و خون کشید، بخش گسترده‌ای از کشور یمن را به ویرانی رهنمون ساخت و اینک، شوربختانه، میهن عزیزمان را در آستانه بحرانی بسیار جدی و خانمانسوز قرار داده است. سالها کوبیدن بر طبل جنگ، عریده‌های شوم جنگ طلبی سر دادن و خواهان نابودی این یا آن کشور شدن از سوی رژیم سر تا پا فاسد، دزد و مافیایی، برای مردم ایران فرآورده‌ای جز فقر و فلاکت، بدبختی و جنگ به ارمغان نیاورده است. این رویکرد ویرانگر، منافع ملی ایرانیان را فدای ماجراجویی‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی کرده است. مردم آگاه و دلیر ایران، هواداران رزمنده ایرانپرست پادشاهی‌خواه، بدانید که این جنگ، جنگ ملت ایران و ما نیست. این جنگی است که رژیم با سیاستهای نادرست خود بر ملت ما تحمیل کرده است. طی روزهای آینده، رژیم خواهد کوشید تا با رجوع به احساسات پاک میهن‌پرستانه ملت ایران، آنها را برای مقاصد شوم و ایرانستیزانه خود، "گوشت دم‌توپ" کند و از آنان به عنوان سپری انسانی برای اهداف خویش سوءاستفاده نماید. از سوی دیگر، رژیم هر ترفند پلیدی را برای نشان دادن "اقتدار" کاذب خود به کار خواهد بست و در این راه، از انجام هرگونه جنایتی روی نخواهد گرداند. رژیم خواهد کوشید تا با افزودن بر حجم دستگیری‌ها و با افزودن بر سرعت ماشین ملت‌کشی به بهانه‌های واهی، از خود "اقتدار" نشان دهد. اما؛ مردم ما برای رهایی از وضع موجود و بدست گرفتن سرنوشت در دستان خود، و برپایی ایرانی آزاد و دموکراتیک، ایرانی مرفه و برخوردار از عدالت اجتماعی، راهی جز تبدیل این جنگ خانمانسوز به انقلابی رهایی بخش و سرنوشتی این رژیم خونآشام ندارد.

ادامه در برگ ۸

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران!



فراخوان کمکهای مالی برای مبارزان درون مرز

برای پیشبرد مبارزه انقلابی جهت سرنگونی جمهوری ننگین اسلامی، نیروهای درون مرزی ما، نیازمند کمکهای مالی شما هستیم. با فرستادن کمکهای خود، گامهای استوار و مؤثرتری علیه اشغالگران حاکم بر سرزمین بهتر از جانمان، ایران برداریم. شماره حساب پی پال برای کمک به پیکارگران درون مرز:

Pay Pal: **tirdad33@yahoo.co.uk**



شماره حساب پی پال برای کمک مالی به انجمن پادشاهی خواهان پیشرو
Pay Pal: **raheniakan1349@protonmail.com** (برون مرز)

جنگ، موضع و وظایف ما ... ادامه از برگ ۷

هواداران دلیر ما، ضمن اینکه موقعیت و شرایط را به دقت رصد می‌کنند، باید با یاری جُستن از تجربه‌های پیشین مبارزه، و پیش گرفتن اقدامات تاکتیکی مناسب، تداوم و استمرار مبارزه علیه رژیم را در اولویتهای اصلی خود قرار دهند. باید بکوشیم تا به یاری ملت برخاسته و در مبارزات آنها در هر شکل و سطحی شرکت جُسته و با سازماندهی مناسب مبارزانشان، از آنها به هر شکلی در برابر تجاوزات و ترفندهای پلید نیروهای اهریمنی جمهوری ننگین اسلامی دفاع کنیم. همبستگی و همدلی ملی، برپایی تشکلهای مخفی پیکار از صنف‌های گوناگون و سازماندهی هدفمند رزم مشترک مردمی و پیگیری رهنمودهای استراتژیک مبارزاتی شاهزاده رضا پهلوی؛ تنها راه عبور پیروزمندانه از این برهه حساس و تاریک تاریخ میهنمان است.



انجمن پادشاهی خواهان
پیشرو را در شبکه جهانی
اینستاگرام دنبال کنید:

@padeshahikhahanpishro

<https://www.instagram.com/padeshahikhahanpishro>



انجمن پادشاهی خواهان
پیشرو را در شبکه جهانی

X

(ایکس) دنبال کنید:

<https://x.com/>

هم میهنان مبارز و آگاه؛
خواهشمندیم با فرستادن رهنمود و
انتقادهای سازنده به ما یاری
رسانید! نشانی تماس:

padeshahi1339@hotmail.com

نشانی پستی:

A.O.P.R. For Iran

Postfach 740163

60570 Frankfurt, Germany

هم میهنان مبارز و آگاه خارج از کشور:

پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک ملت ایران در
گرو همبستگی، پشتیبانی و همراهی هرچه
بیشتر شماسست. با شرکت جُستن در گردهمایی
ها و راهپیمایی‌های اعتراضی ... و یا هر روش
مبارزاتی که خود می‌شناسید و به آن باور
دارید، به ملت در بند و ستم ایران یاری
رسانید!

لُر، کرد، بختیاری، ترک، بلوچ، گیلک، مازنی،
عرب، فارس، تالشی:

ایرانیان همبستگی!

با عزم و اراده ملی، خود، موتور محرک تغییر باشیم!